

مجلس بیست و ششم: علل و زمینه‌های نزاع و درگیری‌ها میان مردم

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سعید شریعتی فرانی*

اشاره

روزانه ده‌ها پرونده حقوقی و کیفری در دادگاه‌ها گشوده و رسیدگی می‌شود و شاید روزی نیست که در کوچه و خیابان، شاهد بگومگوها و مشاجرات لفظی و گاه نزاع‌ها و درگیری‌های فیزیکی نباشیم. این مسئله در جوامع شهری، به‌ویژه در شهرهای بزرگ، با تنوع و ابعاد گسترده‌تری دیده می‌شود. بررسی علل و عوامل نزاع‌های خیابانی، نیازمند پژوهش‌های دقیق میدانی است که باید توسط پژوهشگران مختلف انجام شود. در این مقاله، با استفاده از نتایج مطالعات انجام‌شده در این زمینه، به مهم‌ترین علل و عوامل نزاع‌های خیابانی اشاره می‌کنیم و در بخشی دیگر، با استفاده از نظریات صاحب‌نظران و با استمداد از آیات و روایات معصومین علیهم‌السلام، در صدد طرح راه‌حلی برای کاهش نزاع‌ها و مشاجرات خیابانی هستیم. باشد که مورد استفاده مبلغان ارجمند قرار گیرد.

الف. تعریف نزاع

نزاع و درگیری، رخداد و واکنشی است اغلب هیجانی که فرد در مواقع عصبانیت از خود نشان می‌دهد و غالباً موجب توهین، فحاشی، ضرب و شتم و مصدومیت می‌شود. آسیب‌های اجتماعی ناشی از روابط ناسالم انسانی است که بنیان‌های جامعه را به طور جدی تهدید می‌کند. تحقیقات موجود نشان می‌دهد که عمده‌ترین آسیب‌های اجتماعی در جامعه امروز ایران،

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.

عبارت‌اند از: اعتیاد، نزاع و درگیری، سرقت، قتل، روسپی‌گری، فرار، تکدی و جرایم مالی.

ب. اهمیت بحث

پدیده نزاع و درگیری در جامعه، از آن دسته آسیب‌هایی است که با ایجاد اختلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که این امر، با زمینه‌سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد.^۱ ملاحظه آمارهای منتشرشده توسط مراجع رسمی، اهمیت پرداختن متصدیان امور فرهنگی و تربیتی را به این موضوع روشن می‌سازد؛ به‌ویژه اگر به این نکته توجه کنیم که آمارهای موجود، تنها ناظر به مواردی است که به نهادهای مربوطه مانند پزشکی قانونی یا کلانتری‌ها مراجعه شده است. بسیاری از موارد نیز با پادرمیانی مردم یا گذشت طرفین، خاتمه یافته است. بر اساس گزارش رسمی پزشکی قانونی کشور،^۲ در سال ۱۳۹۵ مجموعاً ۵۴۷۰۲۱ مورد نزاع به پزشکی قانونی مراجعه شده که از این تعداد، ۳۷۵۶۴۴ مورد مربوط به مردان، و ۱۷۱۳۷۷ مورد مربوط به زنان است. همچنین، در هشت ماهه سال ۹۶، آمار نزاع ۳۹۰۷۳۳ مورد بوده که ۲۶۶۵۱۴ مورد مربوط به مردان، و ۱۲۴۲۵۹ مورد مربوط به زنان است. آمارهای موجود به‌خوبی نشان می‌دهد که میزان شیوع نزاع میان مردان، به مراتب بیشتر از زنان است و این امر، می‌تواند در تفاوت وضعیت جسمی، روحی و میزان حضور در فعالیت‌های اجتماعی زمینه‌ساز نزاع، ریشه داشته باشد.

متأسفانه در بسیاری موارد، وجود آلات قتاله در دسترس افراد، موجب عواقب جبران‌ناپذیری می‌شود؛ برای نمونه، در تاریخ ۲۸ بهمن ۹۶ در تهران، یک اختلاف به قتل جوانی ۲۴ ساله منجر شد. قاتل در اظهارات اولیه بیان داشت: «مقتول و همراه وی، از همشهریان من است و سال‌ها در شهرستان زندگی می‌کردیم که برای کار به تهران مهاجرت نمودیم. چند وقتی بود که

۱. فریبرز نیکدل و علی‌اکبر پیراسته مطلق، «خشم صفت - حالت و شیوه‌های کنترل خشم و گرایش افراد به نزاع دسته‌جمعی»، مجله پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ش ۹، ص ۱۱۸.

۲. آمار نزاع در سال ۱۳۹۵ و هشت ماهه اول سال ۱۳۹۶، به تفکیک استان‌ها در وبگاه رسمی سازمان پزشکی قانونی کشور قابل دسترسی است؛ تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۱۰/۱۵، نشانی:

مجلس بیست و ششم: علل و زمینه‌های نزاع و درگیری میان مردم ■ ۲۶۷

با مقتول اختلاف داشتم و چند روزی پشت تلفن به یکدیگر فحاشی می‌کردیم. شب حادثه، در خانه بودم که زنگ خانه را زد و وقتی بیرون آمدم، دیدم با قمه حمله کرد و من هم به آشپزخانه رفتم و چاقو آوردم و با همدیگر درگیر شدیم. آن قدر عصبانی بودم که دیگر چیزی نفهمیدم.^۱

ج. علل و زمینه‌های نزاع

شیوع نزاع و خشونت در جامعه، علل و عوامل متعددی دارد که در اینجا به مهم‌ترین عوامل فردی اشاره می‌کنیم.

۱. پایین بودن میزان تحصیلات و دانش افراد

پژوهشگرانی که در زمینه آسیب‌های اجتماعی به پژوهش پرداخته، علل نزاع و درگیری را رصد کرده‌اند، به رابطه معناداری میان افزایش سطح تحصیلات افراد و کاهش نزاع و درگیری پی برده‌اند؛ برای مثال، نتیجه یکی از پژوهش‌ها بیان می‌دارد که:

«افزایش تحصیلات، باعث افزایش آگاهی‌های عمومی و عملی افراد شده و موجب می‌شود تا آنان نسبت به نزاع‌های جمعی گرایش کمتری نشان بدهند. از سویی، تحصیلات، باعث تغییر ارزش‌های اجتماعی و تغییرات فرهنگی می‌شود و از شدت گرایش به نزاع‌های جمعی می‌کاهد.»^۲

بر همین اساس، پژوهشگران این حوزه، به درستی پیشنهاد داده‌اند که با توجه به معنادار بودن و معکوس بودن رابطه تحصیلات و گرایش به نزاع جمعی، باید اهتمام افزون‌تری به آموزش خانواده‌ها و کاهش بی‌سوادی صورت گیرد.^۳

تأکید فراوان بزرگان دین بر علم‌آموزی و سفارش به آموزش فرزندان، نشانه اهتمام این دین مقدس به رشد فکری و فرهنگی افراد است. افزایش دانش، موجب شکوفایی استعداد و رشد ظرفیت وجودی و اعتلای سطح بینش و فرهنگ انسان‌هاست و در نتیجه، آدمیان در سطح بالاتری از روابط با دیگران قرار می‌گیرند.

1. <http://www.khabarfoori.com/detail/294820>.

۲. علی حسین حسین‌زاده، عبدالرضا نواح و علی عنبری، «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع دسته‌جمعی؛ مورد مطالعه: شهر اهواز»، فصلنامه دانش انتظامی، ش ۵۱، ص ۲۱۹.

۳. همان، ص ۲۲۱.

امام باقر علیه السلام فرمود: «عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ»^۱ عالمی که مردم از علمش منتفع شوند، از هفتاد هزار عابد برتر است.» در وصایای لقمان به فرزندش آمده است: «فرزندم! به‌راستی، دنیا دریایی ژرف است که جهانی بسیار [از مردم] در آن غرقه‌اند. باید کشتی تو در آن تقوای الهی و پُر از بار ایمان باشد و بادبانش توکل، ناخدایش خرد، راهنمایش دانش و لنگرش شکیبایی باشد.»^۲

۲. ناآگاهی به احکام شرعی

روابط حقوقی و معاملاتی، یکی از ساحت‌هایی است که نزاع و درگیری در آن بسیار دیده می‌شود و عامل اصلی غالب این نزاع‌ها، عدم آشنایی افراد به مسائل حقوقی، بی‌احتیاطی و اعتماد بیجا، مسامحه در امور معاملاتی و عدم احترام به حقوق دیگران است. اصبح بن نباته گوید: شنیدم که علی علیه السلام بر فراز منبر می‌گفت: «يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ الْفُقَهَاءِ ثُمَّ الْمُتَجَرِّ الْفُقَهَاءِ ثُمَّ الْمُتَجَرِّ الْفُقَهَاءِ ثُمَّ الْمُتَجَرِّ وَاللَّهِ لِلرَّبِّآ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ التَّمَلِ عَلَى الصَّفَا»^۳ ای گروه تاجران! ابتدا احکام را یاد بگیرید، سپس تجارت کنید! ابتدا احکام را یاد بگیرید، سپس تجارت کنید! به خدا قسم که ربا در میان این امت، ناپیداتر از حرکت مورچه بر روی تخته سنگ است.» این دستور و تأکید، به دلیل دقت در تجارت و دچار نشدن در گرداب ربا و نیز توجه به حلال و حرام الهی در معاملات است. بسیاری از منازعات و اختلافاتی که امروزه به دادگاه‌ها کشیده می‌شود، ریشه در عدم پایبندی به احکام الهی و ضعف باورهای دینی دارد. فریبکاری و سوءاستفاده از جهل و عدم تخصص طرف مقابل، یکی از این نمونه‌هاست.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله زنی عطر فروش به نام زینب نزد زنان پیامبر آمده بود. وقتی پیامبر اسلام وی را دید، به او فرمود: «هنگامی که به خانه ما می‌آیی، اطاق‌های ما خوشبو می‌شود.» زینب گفت: «اطاق‌های خانه، به بوی خودتان خوشبوتر است، ای پیامبر خدا!» آن‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: هرگاه جنسی می‌فروشی، جنس خوبی بفروش و غش مزین

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳.

۲. همان، ص ۱۶.

۳. همان، ج ۵، ص ۱۵۰.

که این روش، به تقوا نزدیک‌تر و برای ماندن مال [و برکت داشتن آن] بهتر است.^۱ و در روایت دیگر، هشام بن حکم می‌گوید: «من در جاهای سایه [و کم‌نور]، سابری^۲ می‌فروختم. روزی امام موسی کاظم علیه السلام، سواره بر من گذشت و به من فرمود: ای هشام! فروش در جاهای سایه [و کم‌نور]، غش (فریب) و خیانت است و غش، حلال نیست.»^۳

۳. عدم اطلاع از پیامدهای کیفی نزاع

خشم کنترل نشده، همچون پرده‌ای عقل انسان را می‌پوشاند و منشأ رفتار و گفتار نابخردانه می‌شود؛ به صورتی که با فرونشستن لهیب غضب، خود شخص دچار پشیمانی می‌شود. در این میان، بسیاری از افراد از پیامد دنیوی و اخروی رفتار و گفتار خود، بی‌خبر یا غافل‌اند و بی‌پروا به ناسزاگویی و زدو خورد می‌پردازند. بر اساس روایات، مشاجره با دیگران، عزت و آبروی انسان را از بین می‌برد^۴ و موجب فساد اعمال انسان است.^۵ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «لَمْ يَزَلْ جَبْرِيْلُ عليه السلام يَنْهَانِي عَنْ مَلَاخَاةِ الرَّجَالِ كَمَا يَنْهَانِي عَنْ شَرْبِ الْخَمْرِ وَ عِبَادَةِ أَوْثَانٍ»^۶ پیوسته جبرئیل مرا باز می‌داشت از درافتادن با مردمان؛ چنان‌که بازمی‌داشت از می‌خواری و پرستش بتان.»

از نظر قانونی، به موجب ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی، «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک، چنان‌که موجب حد قذف نباشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا ۵۰ هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.» همچنین، به موجب ماده ۶۱۵ همین قانون، «هرگاه عده‌ای با یکدیگر منازعه نمایند، هریک از شرکت‌کنندگان در نزاع، حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شوند:

یک. در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود، به حبس از یک تا سه سال؛

دو. در صورتی که منتهی به نقص عضو شود، به حبس از شش ماه تا سه سال؛

۱. همان، ص ۱۵۱.

۲. نوعی جامه نازک مرغوب.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۶۱.

۴. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِيَّاكُمْ وَ مُشَاجِرَةَ النَّاسِ فَإِنَّهَا تُظْهِرُ الْغِرَّةَ وَ تَدْفِنُ الْعِرَّةَ.» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۱۰)

۵. «عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام: سَبْعَةٌ يُفْسِدُونَ أَعْمَالَهُمْ وَ ذَكَرَ مِنْهُمْ الَّذِي يُجَادِلُ أَخَاهُ مُخَاصِمًا لَهُ.» (همان)

۶. همان، ج ۷۴، ص ۱۲۴.

سه. در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود به حبس از سه ماه تا یکسال.
تبصره ۲: مجازات‌های فوق، مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد شد.»

۴. عدم رعایت اخلاق اجتماعی

از نگاه اسلام، تنها رعایت احکام فقهی و اجتناب از محرمات الهی کافی نیست؛ بلکه افراد باید در روابط میان خود، آموزه‌های اخلاقی را نصب‌العین قرار دهند. رعایت اصول اخلاقی، از بسیاری از نزاع‌ها جلوگیری می‌کند. در سفارش‌ها و سیره عملی پیشوایان و عالمان دین، نمونه‌های بسیاری از تأکید بر اخلاق در روابط معاملاتی دیده می‌شود. در روایتی، نقل شده است که علی علیه السلام در دوران حکومتش در کوفه، هر روز از مقر حکومت خارج و به بازارهای کوفه سرکشی می‌کرد. به هر بازاری که می‌رسید، توقف می‌کرد و با صدای بلند ندا می‌داد: «ای صنف تاجر و کاسب! از خدا بترسید... از او طلب خیر کنید. از آسان‌گیری، برکت خواهید، با خریداران صمیمی باشید، با بردباری خود را بیارید، یکدیگر را از سوگند یادکردن بازدارید، از دروغ‌گویی دوری جوید، خود را از ظلم دور دارید، با مظلومان [و مغبون‌شدگان] با انصاف رفتار کنید، به ربا نزدیک مشوید، و پیمان‌ها و ترازو را تمام بیمایید و وزن کنید و از حق مردم چیزی مکاهید و در زمین به فسادگری مپردازید.» بدین گونه، در همه بازارهای کوفه گردش می‌کرد و پس از آن، بازمی‌گشت و به فیصله‌دادن امور مردم می‌پرداخت.^۱

تأکید بر خوش‌قولی و امروز و فردانکردن در معامله،^۲ پرهیز از تعریف بی‌رویه از کالا در هنگام فروش و مذمت در هنگام خرید،^۳ مهلت‌دادن به بدهکار تنگدست و پذیرش درخواست طرف معامله برای به‌هم‌زدن معامله،^۴ از نمونه‌های ذکر شده در روایات است. شهید ثانی در کتاب شرح لمعه در باب آداب تجارت به ۲۴ مورد اشاره می‌کند که غالب این موارد، به اخلاق و انصاف و رعایت حقوق دیگران مربوط است؛ مانند اینکه: تاجر با افراد مختلف به طور مساوی و منصفانه برخورد کند؛ برای جلب رغبت مشتری، کالایش را زینت نکند؛ اگر کالایش عیبی دارد، فاش

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۵۱.

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَيْلٌ لِتُجَّارِ أُمَّتِي مِنْ لَا وَاللَّهِ وَبَلَى وَاللَّهِ وَوَيْلٌ لِصُنَّاعِ أُمَّتِي مِنَ الْيَوْمِ وَغَد.» (شیخ صدوق،

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۶۰)

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۵۰.

۴. همان، ص ۱۵۱.

سازد؛ در خرید و فروش سهل‌گیر باشد که موجب برکت است؛ مشتری پس از خرید، سه بار تکبیر گوید و شهادتین را بر زبان جاری سازد؛ در هنگام فروش، قدری بیشتر و در هنگام خرید، قدری کمتر وزن کند؛ از مؤمنان سود نگیرد، به‌ویژه از کسی که وعده احسان به وی داده است؛ در معامله دیگران وارد نشود؛ یعنی با پیشنهاد قیمت بالاتر، معامله دیگران را به هم نزند.^۱

۵. عدم دقت و دوراندیشی در روابط معاملاتی

ناآشنایی با مسائل حقوقی، زمینه پیدایش بسیاری از نزاع‌هاست. بسیار دیده شده که افراد به دلیل اعتماد به یکدیگر یا سهل‌انگاری در امور مالی و معاملاتی، دچار آسیب و ضرر شده‌اند. طلبکاری که به دلیل نداشتن مدرک محکمه‌پسند، مانند سند کتبی یا شهود معتبر، از اثبات طلبش در دادگاه عاجز می‌ماند؛ زنی که بدون سند رسمی و یا استشهاد، به عقد نکاح دیگری درمی‌آید و به دلیل ناتوانی در اثبات علقه زوجیت، از دریافت مهریه یا ارث خود باز می‌ماند؛ فروشنده‌ای که بدون اخذ تضمین کافی، کالایی را به مشتری ناشناسی می‌فروشد؛ ضامنی که بی‌محابا و غالباً با نیت خیر و کمک به دیگری، وام‌های متعددی را ضمانت می‌کند و مسائلی نظیر آن، همگی نمونه‌هایی است از عدم دقت و دوراندیشی در امور حقوقی که معمولاً به اختلاف و کینه و نزاع منجر می‌گردد.

در فرهنگ اسلامی به موازات تأکید بر رعایت اخلاق و تسهیل در معامله، به داشتن حساب و کتاب و استحکام و حزم و دوراندیشی اهتمام گردیده است. جالب است بدانیم که طولانی‌ترین آیه قرآن، در باب کتابت دین و شاهدگرفتن بر آن است. در آیه ۲۸۲ بقره می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ...» در این آیه، بر کتابت دین و نیز شاهدگرفتن و گرفتن وثیقه تأکید فراوانی شده است. فلسفه اصلی این امر، جلوگیری از انکار حق و نزاع‌های بعدی در مورد اصل دین، میزان دین و شرایط آن است.

علی بن ابراهیم در تفسیر معروفش می‌گوید: در خبر آمده است که در سوره بقره، پانصد حکم اسلامی است و در این آیه، پانزده حکم^۲ و به قولی، نوزده حکم^۳ خاص وارد شده است.

۱. شهید ثانی، الروضة البهية، ج ۳، ص ۲۸۵.

۲. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۹۴.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۹۰.

۶. آسیب‌های اخلاق فردی

رفتار ما انسان‌ها، میوه درخت اخلاق و ملکات نفسانی ماست که بر پایه و ریشه اعتقادات صحیح و حقه استوار شده باشد. به همین دلیل، نقش اخلاق در تنظیم روابط اجتماعی، بسیار تعیین‌کننده است. بسیاری از نزاع‌ها و درگیری‌های خیابانی، ریشه در عدم تربیت صحیح اخلاقی دارد؛ برای نمونه، به چند صفت که زمینه‌ساز نزاع هستند، اشاره می‌شود:

یک. از خود راضی بودن: امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ رَضِيَ عَنِ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخَطُ عَلَيْهِ»^۱ کسی که از خود راضی باشد، خشم‌کننده بر او بسیار شود. علت این امر، آن است که شخص از خود راضی، قدر و منزلت خویش را بالاتر از شأن واقعی و حد طبیعی‌اش می‌بیند، متوجه اشتباهاتش نمی‌شود و عیوب خود را نمی‌پذیرد. در مقابل بیان عیوب و خطاهایش، در صدد توجیه برآمده، خشم مردم را برمی‌انگیزاند.^۲ به علاوه، چنین شخصی، انتظار احترام مردم و پذیرش حرف‌هایش را دارد. به گمان وی، مردم حق او را نمی‌شناسند و همین امر، موجب خشم و نفرت متقابل می‌شود.^۳

مرحوم آیت‌الله العظمی آخوند ملاعلی معصومی همدانی رحمته الله، وقتی به خدمت آیت‌الله مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی (نخودکی رحمته الله) می‌رسد و از ایشان تقاضای موعظه می‌کند، ایشان می‌فرماید: «مرنج و مرنجان!» آیت‌الله آخوند می‌فرماید: مرنجان را می‌فهمیم و می‌توانیم کاری کنیم که مردم از ما رنجش و آزرده‌خاطر نشوند؛ ولی در مورد مرنج، این کار خیلی مشکل است. چطور می‌شود وقتی کسی که اهانت کرد یا اسباب ناراحتی به وجود آورد، انسان خود را کنترل کند و ناراحت نشود؛ به طوری که هم ناراحتی را بروز ندهد و هم خودش نرنجد؟ آیت‌الله نخودکی فرمود: «اگر انسان همواره خودش را کسی نداند، هیچ وقت رنجش پیدا نمی‌کند.»^۴

دو. سوء ظن و قضاوت عجولانه: یکی از قواعد رفتاری که از سوی پیشوایان دین سفارش شده، حمل بر صحت در مورد رفتار دیگران است. علی علیه السلام فرمود: «رفتار و گفتار برادر خود را بر بهترین محمل حمل کن؛ تا اینکه امری از او سرزند که محمل صحیح و توجیهی نداشته

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، حکمت ۶.

۲. محمد رضازاده جویباری، راه روشن، ص ۵۰.

۳. ناصر مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۲، ص ۶۳.

۴. فرید برخوردار، آداب الطلاب، ص ۴۴۰ - ۴۴۱.

مجلس بیست و ششم: علل و زمینه‌های نزاع و درگیری میان مردم ■ ۲۷۳

باشد.»^۱ برخی از نزاع‌ها در اثر قضاوت عجولانه در مورد دیگران است. اعتماد به خبرها، بدون تحقیق و صحت‌سنجی، سوءظن و سوءبرداشت از رفتار دیگران نیز، از جمله زمینه‌های نزاع و درگیری است.

سه. **عدم کنترل زبان:** آتش بسیاری از نزاع‌ها و درگیری‌ها، در اثر عدم کنترل زبان شعله‌ورتر می‌گردد و دو طرف را در خود فرو می‌برد. در حدیثی، از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم که ابوذر غفاری در مواعظش مرتباً می‌گفت: «ای طالب علم! این زبان، کلید خیر و شر است. پس، همان‌گونه که بر درهم و دینارت، قفل و بند می‌نهی، بر زبانت قفل و بند بگذار.»^۲ همچنین طبق روایتی، «عذاب زبان، بسی سخت‌تر از عذاب سایر اعضای بدن است؛ زیرا مفسد برخاسته از زبان، قابل مقایسه با سایر جوارح نیست.»^۳

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي كَلَامٍ لَهُ: صَغَ أَمْرُ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يُغْلِبُكَ مِنْهُ وَلَا تَنْظُنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءاً وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمُولاً.» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۶۲)

۲. همان، ص ۱۱۴.

۳. همان، ص ۱۱۵.